

بررسی قتل‌های خودسرانه در حقوق جزای ایران و تعارض آن با اصل منع مجازات‌های خودسرانه در اسناد بین‌المللی

حسین افراسیابی کیاسری*، جناب آقای دکتر علی شهبازی،

1396-6-30

چکیده حق حیات سرآمد حقوق بشر محسوب می‌شود زیرا با سلب آن امکان برخورداری از سایر حقوق انسانی وجود ندارد. از جمله مواردی که حق حیات را به مخاطره می‌اندازد، موردی است که سلب حیات به عنوان مجازات برخی جرایم، مشروع و قانونی تلقی می‌شود. تکریم حیات افراد و رعایت نظم و امنیت جامعه اقتضاء می‌کند که برای اعمال این کیفرها ضوابط منسجمی تنظیم گردیده و فقط دولت به عنوان نماینده جامعه اجازه‌ی اجرای این مجازات‌ها را داشته باشد، اصل قانونی بودن محاکمه که یکی از ارکان اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست در بردارنده این مفهوم است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول 36 و 159) با رعایت موازین حقوق کیفری اسلام، اصل مزبور پیش‌بینی شده است و ایران این امر را در معاهدات بین‌المللی (ماده 10 اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) امضاء کرده و پذیرفته است، بنابراین ملزم به رعایت این امر در قوانین می‌باشند. با این حال در قوانین کیفری ایران موادی یافت می‌شود که در آنها قانونگذار اجازه‌ی اجرای مجازات‌های سالب حیات (قتل) را به افراد سپرده و بدین ترتیب مجوز قتل‌های خودسرانه را داده و باب سوء استفاده از قانون را برای سودجویان جهت به خطر انداختن جان افراد گشوده است. از مهمترین موارد، مواد ماده 302 و 303 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 و ماده 630 قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است. به عنوان نتیجه گیری کلی باید اذعان کرد که، اعطای جواز اعمال کیفر به افراد و شهروندان به خصوص اعمال مجازات قتل، با اصول مسلم و شناخته شده حقوقی و نیز قانون اساسی و سایر قوانین و فتاوی فقهای بزرگ بر ولایت انحصاری حکومت در قضا و اجرای کیفر، و همچنین اصول پذیرفته شده در حقوق جزایی بین‌المللی در تعارض آشکار است. از این رو، در این تحقیق، با بررسی مصادیق قتل‌های خودسرانه در حقوق جزای ایران و آثار جواز آن، به بررسی تعارض این قتل‌های خودسرانه با اصل منع مجازات‌های خودسرانه در اسناد بین‌المللی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی : واژگان کلیدی: قتل خودسرانه، اسناد بین‌المللی، حقوق جزای ایران، مهدورالدم، محقون الدم.